



موضوع‌شناسی فقهی «مراحل جنین قبل از ولوج روح» در متون دینی^۱

عمار نصراللهی نیا^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴

چکیده

جنین در رحم مادر مراحل مختلفی از فرآیند خلقت را تجربه می‌کند که در این مراحل تدریجی از موجود چند سلولی لقاح یافته، به جنین کامل دارای روح و حیات تبدیل می‌شود. این چرخه تکاملی تا قبل از رسیدن به زمان نفخ روح، دارای پنج مرحله «نطفه، علقه، مضغه، عظام و کسوت لحمی» است. در ابواب مختلف فقه (در باب‌های طهارت، نکاح، طلاق و دیات) برای هر یک از این مراحل، احکام و آثار ویژه‌ای مطرح شده. در حوزه کشف معیار در شناخت موضوع «مراحل جنین» دو دیدگاه تعبدی و عرفی وجود دارد؛ یکی بر اساس تعبد به روایات و در نظر گرفتن معیار تلفیقی زمانی-زیستی و دیدگاه دیگر بر مبنای عرف و ملاحظه صرف ویژگی‌های تکوینی و زیستی است. با تقویت دیدگاه اول (معیار زمانی-زیستی) می‌توان گفت بر اساس روایات، برای تشخیص مراحل رشد جنین دو معیار وجود دارد: اول زمان بندی‌های مراحل جنینی که طبق آن فاصله مراحل سه‌گانه (نطفه، علقه، مضغه)، چهل روز تعیین می‌شود؛ دوم ویژگی‌های زیستی و بیولوژیکی است که این ویژگی‌ها در تمامی مراحل ۳ گانه رشد بیان شده، ولی به جهت اینکه بازه زمانی مشخص در دو مرحله «عظم و لحم» بیان نشده است؛ استفاده از ویژگی‌های ساختاری-زیستی مبتنی بر روایات در این دو مرحله، بررسی این موضوع را از اهمیت بیشتر برخوردار کرده است. تحلیلی درست و مناسب از مراحل مختلف رشد جنین می‌تواند در فرایند استنباط احکام تکلیفی و وضعی مرتبط با جنین و ارائه احکام قضایی در این حوزه، راهگشا باشد، امر مهمی که تاکنون کمتر به تبیین و توضیح آن پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: موضوع‌شناسی فقهی، مراحل جنین، نطفه، علقه، مضغه، عظام، لحم.

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «موضوع‌شناسی فقهی مراحل جنین» است که در مرکز موضوع‌شناسی احکام فقهی توسط نویسنده نگارش شده است.

۲. استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم، ایران، nasramar229@gmail.com

مقدمه

یکی از مسائل مهم در دانش زیست‌شناسی تکوینی، چگونگی پیدایش انسان و نشو و نماى او در دوران جنینی است که به جنین‌شناسی شهرت یافته است. دانشی که در آن به مطالعه منشأ، سیر مراحل رشد و نمو یا تکامل فردی و یا تکوینی هر موجود زنده پرداخته می‌شود و شاخه‌ای از آن تحت عنوان جنین‌شناسی انسانی، تعریف شده است (پریور، ۱۳۹۰ ش، ص ۴). ایده‌های باستانی در مورد جنین در صدها سال قبل از میلاد مطرح بوده و اولین مطالعات جنینی در کتاب‌های بقراط ثبت شده است (کیت ال مورتی، ۱۳۹۴ ش، ص ۱۷) و به تدریج با پیشرفت علم پزشکی نظریات جدیدی در این زمینه مطرح گردید.

در متون دینی نیز به این مقوله پرداخته شده است؛ در قرآن شریف تنها بیان اجمالی مراحل خلقت جنین آمده ولی زمان فواصل خلقت جنین تعیین نشده تا مشخص شود زمان تبدیل نطفه به علقه و مضغه و عظام و کسوت لحمی چقدر است و در چند ماهگی روح دمیده می‌شود (حج، ۵؛ مومنون، ۱۲-۱۴). در روایات مراحل تطوّر جنین با جزئیات بیشتر بیان شده است تا جایی که در عده زیادی از آنها فاصله زمانی بین نطفه و علقه و مضغه ذکر شده است و به ماهیت و ساختار زیستی آنها نیز اشاره شده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۴۰۲؛ طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱۰، ص ۲۸۳). رویکرد اصلی این نوشتار تحلیل کامل موضوع شناسانه فقهی مراحل پنجگانه جنین، از بدو پیدایش نطفه تا مرحله قبل از دمیده شدن روح می‌باشد. به جهت آنکه تحلیل موضوع شناسانه فقهی زمان ولوج روح، موضوع مهم و گسترده و دارای نتایج زیادی است، مناسب است در نوشتار جداگانه‌ای به آن پرداخت شود. قابل توجه آنکه در این موضوع اثری وجود ندارد که تحلیل کامل و جامع موضوع شناسانه‌ای درباره مراحل جنین ارائه دهد. از آنجائی که موضوع شناسی جنین در زمره موضوعات منصوص قرار می‌گیرد، در نوشتار حاضر به بررسی متون دینی و آیات و روایات پرداخته شده است تا بتوان آنچه در وادی موضوع شناسی فقهی جنین در نصوص دینی وجود دارد به نحو مطلوبی تبیین کرد.

مفهوم‌شناسی

در این قسمت به بیان عناوین مراحل جنین که در قرآن کریم و روایات نیز آمده است، اشاره می‌شود. در قرآن کریم مراحل جنین بدین‌گونه بیان شده است: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مومنون، ۱۲-۱۴) و یقیناً ما انسان را از چکیده‌ای از گل آفریدیم، سپس آن را نطفه‌ای در قرارگاهی

استوار قرار دادیم. آن‌گاه آن نطفه را علقه گردانیم، پس آن علقه را به صورت پاره‌گوشتی درآوردیم، پس آن پاره‌گوشت را استخوان‌هایی ساختیم و براستخوان‌ها گوشت پوشانیدیم، سپس او را با آفرینشی دیگر پدید آوردیم؛ پس همیشه سودمند و بابرکت است خدا که نیکوترین آفرینندگان است. اکنون به بیان مفاهیم نطفه، علقه، مضغه، عظم و لحم که تا قبل از زمان نفخ روح در جنین وجود دارد، پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است، درضمن بررسی عناوین مذکور در لغت، معنای اصطلاحی آن که از آیات و روایات برگرفته شده، تبیین می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی نطفه

فعل نطف به معنای تلطخ و آغشته بودن است و نطفه به آب صاف شده کم یا زیاد، گفته می‌شود (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۴۳۶). بدین جهت النَّاطِفُ را مایع سیال دانسته‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۱۱). نطفه به معنای آب صاف به النَّطْفُ جمع بسته می‌شود، و جمع نطفه به معنای آب مرد نَطْفٌ می‌باشد (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۴۳۴). برخی نطفه را اسم برای منی مرد و به معنای مفعول یعنی مقطر و مصبوب می‌دانند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۷، ص ۱۴۴). این لفظ در قرآن مجید دوازده بار آمده و همه درباره نطفه انسان است. در سوره انسان وصف امشاج برای نطفه آورده شده است. ﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ﴾ (انسان، ۲) مشج: آمیختن. «مشجه: خلطه» و مشیج و مشج: آمیخته و جمع آن امشاج است. در حدیث نبوی آمده: أَمْشَاجُهَا عُرُوقُهَا (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۹۷).

۲. مفهوم‌شناسی علقه

عَلَقٌ به معنای خون غلیظ، (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۵۲۹) خون بسته شده و جمع علقه به معنای زالواست (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۶۱). طبری می‌گوید: برخی آن را خون منعقدی می‌دانند که در اثر رطوبت به هر چیز می‌چسبد ولی معنای خون بسته مناسب‌تر است (طبری، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۷۸۱). گفته شده ماده علق برای آویزان و مرتبط بودن یک شیء به شیء عالی به‌کار می‌رود (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۲۵).

۳. مفهوم‌شناسی مضغه

از مضغه به تکه گوشت، یاد شده و قلب انسان را به همین مناسبت مضغه می‌دانند (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۳۷۰). راغب می‌گوید: مُضَاغَةٌ باقیمانده گوشت در دهان است و به دو فك بالا و پائین، مَاضِعَانٌ می‌گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۷۰). ابن منظور از برخی نقل می‌کند مضغه به اندازه لقمه‌ای است که انسان می‌تواند در دهان خود بگذارد و به

زبان هم مضغه می‌گویند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۴۵۱). به لحاظ صرفی، بر وزن فَعَلَه و به معنای مفعول یعنی جویده شده می‌باشد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۷، ص ۱۴۴).

در میان مراحل جنین که در آیه ۵ سوره حج آمده، به دو صورت مضغه اشاره شده است؛ یکی مخلّقه و دیگری غیر مخلّقه. جوهری، مخلّقه را به معنای تام‌الخلقه می‌داند و به تیری که صاف و هموار شود مخلّق می‌گویند (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۴۷۱). برخی مخلّقه را به معنای مصوّر و دارای شکل و صورت معنا کرده است (حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۹۰۶). در تفسیر قمی در ذیل جمله مُخَلَّقَةٌ وَ غَیْرِ مُخَلَّقَةٍ از امام علیه السلام نقل کرده که فرمود: مخلّقه جنین کامل الخلقه است، و غَیْرِ مُخَلَّقَةٍ جنینی است که ناقص سقط شود (قمی، ۱۳۶۳ق، ج ۲، ص ۷۸).

۴. مفهوم‌شناسی عظام

ماده (ع ظ م) بر بزرگی و قوت و دلالت دارد و از همین روی به استخوان عظم می‌گویند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۵۵). راغب می‌گوید در عرب به دست و آرنج قوی و زمخت، عَظْمَةُ الدَّرَاعِ می‌گویند و عَظْمُ الشَّيْءِ در اصل برای بزرگ شدن اسکلت و استخوان است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۷۳). برخی استخوانی که روی آن را گوشت پوشانیده عظم می‌گویند (ابن سیده، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۷۹).

۵. مفهوم‌شناسی کسوت لحمی

از این مرحله معمولاً به لحم یاد می‌کنند ولی به توجه به تعبیر قرآنی «فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا»، این مرحله ترکیبی است و از دو مفهوم کسوت و لحم تشکیل شده که از آن به کسوت لحمی تعبیر می‌شود. کسا و اکساء هر دو به معنی پوشاندن لباس است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۳۹۱) و معنای متعددی دارد. در قرآن آمده است: ﴿فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا﴾ (مؤمنون، ۱۴) پس استخوان‌ها را گوشت پوشانیدیم. ماده ل ح م در اصل بر تداخل در شیء دلالت دارد که در گوشت هم چون بافت‌های آن در هم تنیده شده‌اند لحم می‌گویند و به همین جهت است که عرب به جنگ، ملحمه می‌گوید، چون گروه‌های مختلف با یکدیگر درگیر می‌شوند و در جبهه یکدیگر وارد می‌شوند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۲۳۸). راغب می‌گوید: لَحْمُ الرَّجُلِ یعنی آن مرد چاق و فربه شد که او را لَحِيم و لَحِمٌ گویند. لَحْمُ الشَّيْءِ، أَلْحَمْتُهُ، لَأَحْمَتْ بَيْنَ الشَّيْئَيْنِ، همگی به معنی مرمت و اصلاح در يك چیز یا چند چیز است، مثل استخوانی که گوشت بر آورده باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۳۸).

مبانی شناخت معیار در تشخیص مراحل جنین

یکی از مباحث مهم در موضوع شناسی فقهی مراحل جنین، پیدا کردن معیار واقعی و صحیح در این باره است. در این حوزه می‌توان دو دیدگاه کلان را در نظر گرفت؛ یکی بر اساس تعبدی بودن معیار زمانی و دیگری بر مبنای عرفی و متغیر بودن که به آنها اشاره خواهد شد.

۱. نظریه «ثابت بودن معیار زمانی»

این نظریه برآیند در نظر گرفتن مراحل جنین از «موضوعات شرعی مقید» است. زیرا شارع مقدس بدون ایجاد هویت جدید و تصرف در معنای لغوی یا عرفی آن، فقط قیود یا شروطی را به آنها زده و یا علائمی را برای تشخیص آنها ذکر کرده است. پس برای شناخت این موضوعات، فقط باید قیود مدنظر شارع کشف شود، قیودی که خودشان نیز موضوعاتی عرفی اند (بیات، ۱۴۰۳ش، ص ۱۰۷). مانند بلوغ که موضوعی عرفی است و معنای روشنی دارد ولی شارع مقدس برای بلوغ که شرط تکلیف است علائمی ذکر کرده است (بیات، ۱۴۰۳ش، ص ۱۰۸). این نظریه را در کلمات شهید صدر رحمته می‌توان یافت؛ که وقتی گزاره‌ای نقش مقدمه برای یک حکم شرعی دارد، مبنای تثبیت تقنینی پیدا می‌کند و نمی‌تواند صرفاً عرفی و قابل تغییر تلقی شود (صدر، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۴۶). در نتیجه چون این زمان بندی، جزء «موضوعات منصوص» برای اجرای حکم است، تغییر آن، تغییر حکم الهی را لازم می‌آورد که خلاف اصل ثبات تشریح است. بر این اساس مراحل جنین که از موضوعات قابل فهم در عرف می‌باشند، در نظر شارع محدود و مقید به خصوصیات و شروطی شده است. در روایات آمده: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدَّرَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ فَصَبْرَهُ نُطْفَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا» (کلینی، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص ۴۰۲)؛ «قُلْتُ فَمَا حَدُّ النُّطْفَةِ قَالَ هِيَ الَّتِي وَقَعَتْ فِي الرَّحِمِ فَاسْتَقَرَّتْ فِيهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۲۸۲). بر این اساس اعداد مذکور باید حتماً لحاظ شوند و حکمت و فلسفه آن در اختیار شارع است و نمی‌توان از آن تعدی کرد و ملاک دیگری مانند رشد فیزیکی را معیار قرار داد. در نتیجه در احکامی مانند وجوب پرداخت دیه یا حرمت اسقاط جنین، صرف گذشت زمان موضوعیت دارد، حتی اگر جنین از نظر علمی کندتر یا سریع‌تر رشد کرده باشد (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۷۶۲؛ طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۷۷۸؛ حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۶۴). شیخ انصاری رحمته ملاک اتمام چهار ماهگی را برای وجوب غسل اجماعی می‌داند و بعد از بیان اقوال متعدد در تکمیل خلقت جنین، معیار در وجوب غسل را تعبدی و منصوص می‌داند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۴۲۰).

۲. نظریه «متغییر بودن معیار زمانی»

این نظریه حاصل در نظر گرفتن مراحل جنین از موضوعات عرفی مواردی مانند خون، بیع هستند که شارع مقدس نه با تصرف کلی آنها را اختراع کرده و نه با تصرف جزئی قیودی به آنها زده است، بلکه فقط به بیان حکم آنها پرداخته است و تشخیصشان را به عهده عرف گذاشته است (بیات، ۱۴۰۳ش، ص ۱۳۹) بر پایه این دیدگاه، ائمه علیهم السلام اصول کلی مراحل جنین را به عنوان امری شرعی بیان کرده اند اما زمان بندی دقیق در روایات احتمالاً مطابق عرف عصر خود بوده و شارع آن را به عرف و علم واگذار کرده است. واژه های استفاده شده در قرآن و روایات (نطفه، علقه، مضغه، عظام، لحم) الفاظی کلی هستند که ممکن است انطباق دقیق علمی - تشریحی به شکل امروزی نداشته باشند، بلکه توصیفی عملکردی یا ظاهری ارائه می دهند. این واژه ها تعریف دقیق آزمایشگاهی (مثل اصطلاحات علم جنین شناسی مدرن) ندارند، بلکه تشبیهاتی عرفی هستند که در آن زمان برای توصیف مراحل رشد استفاده می شدند.

معادل این نظریه، زمان بندی روایات توصیف شرایط رایج در عصر صدور روایات بوده ولی معیار واقعی، تحقق عینی مراحل (مثل تشکیل استخوان یا عضله) است. زیرا می توان گفت رشد جنین تابع عوامل محیطی، ژنتیکی و تغذیه ای است و ممکن است در افراد متفاوت باشد. در برخی روایات به ویژگی های عینی اشاره کرده اند، نه صرف روز شمار مثل روایت یونس شیبانی (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۲۸۴). بر این اساس احکام شرعی منوط به تشخیص عینی توسط متخصصان است (ر.ک: حلی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۷۹۷). شبیه این نظریه، در تعیین زمان حلول روح بیان شده که زمان چهار ماهگی، امر تعبدی نیست بلکه اخبار از زمان عادی و طبیعی است و لازم نیست زمان خاص و معینی برای ولوج روح در نظر گرفت بلکه تشخیص این پدیده طبیعی مانند سایر پدیده ها، براساس آثار طبیعی است که ممکن است در موارد و شرایط زیستی متفاوت در زمان های گوناگونی تحقق یابد (جمعی از مولفین، بی تا، ج ۵، ص ۱۱۱). در نتیجه زمان بندی روایات به عنوان میانگین رشد در شرایط طبیعی آن عصر تفسیر می شود، هر چند در مواردی که تشخیص علمی ممکن نباشد، به زمان بندی روایات عمل می شود.

در پاسخ به این نظر باید گفت: دقت عددی در بیان زمان بندی مراحل جنین، نشان از قصد شارع برای تثبیت و تحدید دارد، نه توصیف تقریبی. زیرا روایات مراحل جنینی در فریقین با عدد روز و ماه مشخص و در ارتباط با احکام سقط، دیه و قصاص آمده اند. پس هرگاه شارع بیان موضوع را در سیاق حکم شرعی بیاورد و آن را به عدد و زمان خاص محدود کند، آن موضوع غیرمتغییر است و زمان بندی مذکور، منصوص شرعی و غیرقابل تغییر با عرف یا پیشرفت علمی است، مگر نص ناسخ موجود باشد.

شاخصه‌های مراحل پیدایش جنین در متون دینی

قران کریم در موضوع مراحل جنین تنها به ذکر نام مراحل بسنده کرده است ولی در روایات اهل بیت علیهم‌السلام برای هر کدام از مراحل جنین معیارها و ویژگی‌هایی بیان شده است. در مجموع این شاخصه‌ها، یا بر اساس زمان خلقت جنین هستند و یا بر اساس ساختارهای زیستی و بیولوژی جنین که به آن اشاره می‌شود. هم‌چنین روایات باب دیه به‌طور جداگانه به معیارهای احکام دیه و مقادیر جزئی آن پرداخته که در ادامه بیان شاخصه‌ها، به‌طور جداگانه طرح می‌شود. لازم به ذکر است تفاوت دو نظریه شرعی یا عرفی بودن مراحل جنین تنها در معیار و شاخصه‌های زمانی تاثیرگذار است که در آن زمان بندی مراحل سه‌گانه نطفه علقه و مضغه منحصر در چهل روز است ولی در شاخصه‌های زیستی دو مرحله عظم و لحم که ذاتاً قابل تغییر است، تأثیر چندانی ندارد.

۱. شاخصه‌های زمانی

در روایات، شاخصه‌های زمانی مراحل جنین به دو صورت مطرح شده است؛ برخی بر اساس دوره‌های سی روزه و برخی بر اساس دوره‌های چهل روزه. لازم به ذکر است که در این روایات، فقط مرحله نطفه و علقه و مضغه بیان شده و به زمان مرحله عظم و لحم اشاره نشده است. هم‌چنین در برخی روایات مانند روایت ظریف به‌صراحت از مراحل پنج‌گانه نام برده ولی فاصله آنها را بیان نکرده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۴۳).

۱-۱. معیار چهار مرحله سی روزه

در روایت بزنطی مراحل جنین در چهار مرحله سی روزه بیان شده است: نطفه، علقه، مضغه، جنین مخلقه و غیر مخلقه که هر کدام از این مراحل سی روز می‌باشد. در روایت آمده: «إِنَّ التُّظْفَةَ تَكُونُ فِي الرَّحِمِ ثَلَاثِينَ يَوْمًا وَ تَكُونُ عَلَقَةً ثَلَاثِينَ يَوْمًا وَ تَكُونُ مُضْغَةً ثَلَاثِينَ يَوْمًا وَ تَكُونُ مُخَلَّقَةً وَ غَيْرَ مُخَلَّقَةٍ ثَلَاثِينَ يَوْمًا فَإِذَا تَمَّتِ الْأَرْبَعَةُ أَشْهُرَ بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهَا مَلَكَينِ خَلَائِقِينَ يُصَوِّرَانِهِ وَيَكْتُبَانِ رِزْقَهُ وَأَجَلَهُ وَ شَقِيْبًا أَوْ سَعِيدًا» (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۳۵۳).

این تنها روایتی است که به‌ظاهر دال بر فاصله سی روزه بین مراحل است با این تفاوت که مرحله مخلقه و غیرمخلقه را هم در شمار مراحل ذکر می‌کند. در این روایت فاصله بین مراحل سی روز است و اکثر قریب به اتفاق فقها به آن عمل نکردند، در حالی که فاصله چهل روزه بین مراحل جنین از مشهورات و مسلمات فقه محسوب می‌شود (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۶۴؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۴۲۵؛ آبی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۶۷۴).

در توجیه روایت گفته شده: سی روز مرحله خالص و ده روز برزخ میان مراحل است که با احتساب نود روز خالص سه مرحله، در نهایت چهار ماه می شود (قطیفی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۴۲۰؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۹، ص ۳۱۱).

برخی گفته اند این روایات با ظاهر قرآن مخالفت دارد و باید علمش را به اهلش واگذار کرد؛ زیرا در قرآن شریف مخلقه و غیرمخلقه صفت مضغه است و نه مرحله بعد از آن (خوئی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲، ص ۴۹۷؛ تبریزی، ۱۴۲۸ق، ص ۳۲۰).

۱-۲. معیار سه مرحله چهل روزه

در تعدادی زیادی از روایات فاصله مراحل جنینی، چهل روز بیان شده است (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۲۸۳؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۴۷). در روایت حسین بن خالد از امام کاظم علیه السلام آمده: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدَّرَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ فَصَيَّرَهُ نُطْفَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا ثُمَّ نَقَلَهَا فَصَيَّرَهَا عَلَقَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا ثُمَّ نَقَلَهَا فَصَيَّرَهَا مُضْغَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۰۲). در این روایات تنها سه مرحله جنینی بیان شده است و از مرحله عظم و لحم سخنی به میان نیامده است و حال آنکه بر اساس آیه قرآن بعد از مضغه مرحله عظم و لحم آمده و ظاهر عطف آنها بر یکدیگر، نشانگر تمایز هر مرحله می باشد.

با وجود آنکه تمامی فقها در بیان مقادیر دیه به پنج مرحله بودن دیه تصریح کردند ولی در میان فقها کمتر به این نکته توجه داشتند که دو مرحله عظم و لحم در چه بازه زمانی اتفاق می افتند. از طرفی این مراحل باید قبل از حلول روح به اتمام برسد تا جنین ظرفیت ولوج روح را دارا باشد و از جهتی هم طبق نظر مشهور فقها تا قبل از چهار ماهگی و صد و بیست روز، که پایان مرحله مضغ است، روح دمیده نمی شود.

از نظر نگارنده تشخیص جنینی که دارای عظم است و جنینی که در مرحله کسوت لحمی وجود دارد، راحت تر است از جنینی که در مرحله نطفه و علقه و مضغه وجود دارد. زیرا جنین بعد از رشد در طول سه ماهگی و بعد از آن به رشد قابل توجهی می رسد و دارای اوصاف متمایزتری می شود. در مقابل این سخن، نظریه دیگری وجود دارد که بیان می کند، زمان بندی مراحل اولیه ممکن است جنبه تمثیلی و آموزشی داشته باشد تا مردم درک ساده ای از رشد جنین پیدا کنند، اما مراحل بعدی نیاز به توضیح زمان مند نداشته اند. از طرفی شاید در عصر روایات، امکان مشاهده یا درک تغییرات مراحل بعدی (مثل استخوان بندی و گوشت پوشانی) به صورت دقیق وجود نداشته، لذا زمان آن ذکر نشده است.

علامه مجلسی رحمته الله در شرح روایت ابو جریر قمی که در آن امام کاظم علیه السلام مراحل جنین را تا مضغه بیان می کند می گوید: «و لعله سقط بعض المراتب من النسخ» (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۶، ص ۶۰۴).

به نظر می‌رسد فرمایش ایشان درباره حکم دیه درست است که در روایت مشابه به همه مراحل اشاره شده است ولی نسبت به فاصله زمانی سقطی در روایت متصوّر نیست، زیرا در هیچ روایتی اشاره به فاصله زمانی عظم و کسوت لحمی نشده است.

به نظر حضرت آیت الله خوئی رحمته الله مرحله عظم در اواسط مرحله مضغه یا اواخر آن، شروع می‌شود و بعد از صد و بیست روز، مرحله لحم و بعد از آن ولوج روح صورت می‌گیرد (خوئی، ۱۴۲۴ق، ص ۲۲۲). محتمل است مبنای این کلام، آن باشد که در فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا قَائِل شوند، مراد تأخیر زمانی نیست بلکه تأخیر در ذکر و رتبه است (حلی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۷۹۹).

۲. شاخصه‌های زیستی و بیولوژیک

در برخی از روایات خلقت جنین، به ویژگی‌های ساختاری و زیستی مراحل جنین اشاره شده و تفاوت آنها در مراحل مختلف بیان شده است. اکنون به تبیین شاخصه‌های زیستی که در روایات آمده و فقها به آنها اشاره کرده‌اند، پرداخته می‌شود.

۲-۱. شاخصه نطفه

در روایت محمد بن مسلم آمده: «النُّطْفَةُ تَكُونُ بَيِّضَاءَ مِثْلَ التُّخَامَةِ الْعَلِيظَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۴۵) نطفه مانند خلط غلیظ سفید رنگی است. در روایت دیگر مدی به نخامه تشبیه شده: «إِنَّمَا هُوَ بِمَنْزِلَةِ التُّخَامَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۹) هم چنین آمده: «إِنَّمَا هُوَ بِمَنْزِلَةِ الْمُخَاطِ وَ الْبُرَاقِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۹) که مدی به منزله مخاط و بزاق است که بیانگر حقیقت نخامه می‌باشد. خلیل می‌گوید: «التُّخَامَةُ: مَا يَخْرُجُ مِنَ الْخَيْشُومِ عِنْدَ التَّنَخُّعِ: نَخْمٌ يَنْخَمُ نَخْمًا، وَ هُوَ نَخْمٌ» (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۲۸۱) فقها در مباحث روزه گفته‌اند «لا یفسد الصوم بابتلاع النخامة و البصاق» (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۷۴؛ حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۴۶۲) اخلاط و بزاق روزه را باطل نمی‌کند.

علامه مجلسی اول رحمته الله در توصیف مراحل جنین می‌گوید: مراد از چهل روز آن است که نطفه تا بیست روز سفید است و بعد از آن شروع به قرمز شدن می‌کند تا چهل روزگی و علقه شدن. بعد از چهل روزگی، شروع به ایجاد گره و بافت و توده محکم می‌کند تا اینکه علقه به مضغه شدن را در شصت روزگی تمام می‌کند. در نتیجه بعد از تبدیل شدن نطفه از سفیدی تا سرخ شدن، چهل روز طول می‌کشد و همین‌طور مراحل بعدی (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰، ص ۴۱۹).

۲-۲. شاخصه علقه

مفهوم شناسی علقه در دو روایت بیان شده است؛ در روایت محمد بن مسلم از حقیقت علقه سؤال می شود: «فَمَا صِفَةُ خَلْقَةِ الْعَلَقَةِ الَّتِي تُعْرَفُ بِهَا فَقَالَ: هِيَ عَلَقَةٌ كَعَلَقَةِ الدَّمِ الْمُحْجَمَةِ الْجَامِدَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۴۵). در کلام حضرت، «علقه» به «الدم» و «الدم» به «المحجمه» اضافه شده و کلمه «الجامده» صفت برای علقه می باشد. «المحجمه» به لحاظ صرفی اسم آلت و در لغت به معنای شیشه حجامتگر (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۸۷؛ جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۱۸۹۴) آمده است.

اصل معنای الحجم به معنای المصّ و مکیدن است و به گفته ازهری: «يقال للحاجم حَجَّامٌ لامتصاصه فم المَحْجَمَةِ» و به وسیله آن «المَحْجَمُ و المَحْجَمَةُ» می گویند. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۱۱۷)، (ابن اثیر، ۱۳۶۴ش، ج ۱، ص ۳۴۷) بر این اساس علقه مثل خونی است که در شیشه حاجم جامد شده باشد.

در روایت یونس شبیبانی از امام صادق علیه السلام آمده است:

«قَالَ قُلْتُ فَإِنَّ التُّظْفَةَ خَرَجَتْ مُتَخَضِّضَةً بِالدَّمِ قَالَ فَقَالَ لِي فَقَدْ عَلِقَتْ إِنْ كَانَ دَمٌ صَافٍ ففِيهَا أَرْبَعُونَ دِينَارًا وَإِنْ كَانَ دَمٌ أَسْوَدٌ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ إِلَّا التَّعْزِيرُ لِأَنَّهُ مَا كَانَ مِنْ دَمٍ صَافٍ فَذَلِكَ لِلْوَلَدِ وَمَا كَانَ مِنْ دَمٍ أَسْوَدٍ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الْجَوْفِ قَالَ أَبُو شَيْبَةَ قَالَ فَإِنَّ الْعَلَقَةَ صَارَ فِيهَا شِبَهُ الْعُرُوقِ مِنْ لَحْمٍ قَالَ اثْنَتَيْنِ وَأَرْبَعِينَ دِينَارًا الْعُشْرَ قَالَ قُلْتُ فَإِنَّ عَشْرًا أَرْبَعِينَ أَرْبَعَةً فَقَالَ لِأَنَّمَا هُوَ عَشْرُ الْمُضْغَةِ لِأَنَّهُ إِذَا دَهَبَ عَشْرُهَا فَكُلَّمَا زَادَتْ زَيْدٌ حَتَّى تَبْلُغَ السَّبْتِينَ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۲۸۴).

علامه مجلسی رحمته الله می گوید: «فقد علقت»، جواب شرط است و «ففيها» تفریع است و نه جواب شرط (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۶، ص ۶۰۸). بر این اساس حضرت می فرماید: اگر نطفه با صفت «متخضضه بالدم» خارج شود، علقه است؛ حال اگر خون صاف باشد که اثر حمل و بچه است و نشانه مرحله علقه ولی اگر خون سیاه باشد از بچه نیست و از داخل بدن و رحم زن است که کنایه از خونریزی دیگری می باشد. در ادامه روایت آمده: «فإن العلقَةَ صَارَ فِيهَا شِبَهُ الْعُرُوقِ مِنْ لَحْمٍ قَالَ اثْنَتَيْنِ وَأَرْبَعِينَ دِينَارًا» یعنی اگر در علقه رگه هائی از گوشت دیده شد، دو دینار به چهل دینار اضافه می شود و به همین نسبت تا شصت دینار اضافه می شود.

«خضضه» در لغت به معنای حرکت دادن است؛ «خضض الماء في الإناء» آب را در ظرف تکان داد (زمخشری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۲۹)، از این روی درباره اضطراب و تکان خوردن شیء مرطوب به کار برده می شود (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۵۳). برخی این

حرکت را از نوع حرکات بدون صدا دانسته و گفته‌اند: «کل شیء يتحرك ولا يصوت خشورة، يقال: إنه يتخَضَّضُ» (فراهیدی، ۱۴۰ق، ج ۴، ص ۱۳۳). بر اساس تعاریفی که از لغت خضخضه شد، علقه به نطفه‌ای می‌گویند که آغشته به خون است و حالت ژله‌ای دارد و دارای تکان‌های ریزی می‌باشد.

محقق مامقانی رحمته الله می‌گوید: مرتبه علقه که دارای خطوط ورگه‌ها نیست، قبل از مرحله مضغه است (مامقانی، ۱۳۱۶ق، ج ۳، ص ۴۵۶) که به نظر می‌رسد این کلام برداشت دقیقی از کلام علامه حلی (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۵۹) و شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۲۴۰) نیست.

۳-۲. شاخصه مضغه

در روایت محمد بن مسلم در تبیین ماهیت مضغه آمده: «ثُمَّ تَصِيرُ مُضَغَةً قُلْتُ فَمَا صِفَةُ الْمُضَغَةِ وَخَلْقَتِهَا الَّتِي تُعْرَفُ بِهَا قَالَ هِيَ مُضَغَةٌ لَحْمٍ حَمْرَاءَ فِيهَا عُرُوقٌ خُضْرٌ مُشْتَبِكَةٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۴۵) اکثر قریب به اتفاق اهل لغت، لحم را به بداهت خود واگذار کرده و توضیحی بیشتری ارائه نکردند (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۲۰۲۷). تنها صاحب معجم مقائیس توضیح داده که: «اللام والحاء والميم أصلٌ صحيح يدلُّ على تداخل، كاللحم الذي هو متداخلٌ بعضُهُ في بعضٍ» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۲۳۸). برخی فقها با دید عرفی به موضوع‌شناسی جنین، درباره مضغه گفتند: تکه گوشتی که در آن خطوط خفیه است؛ حال خفیه یا به معنای کم رنگ است یا به معنای مخفی در زیر لایه ظاهری مضغه (عراقی، ۱۳۸۰ق، ص ۲۹۸).

عروق جمع عرق است یعنی: رگ بدن که خون در آن جریان دارد و به تعبیر ازدی طبیب: «و عُرُوقُ الْبَدَنِ أَقْسَامُ عَصَبَانِيَّةٍ مَمْتَدَّةٌ طُولًا، مَجْرُوفَةٌ نَابِتَةٌ مِنَ الْقَلْبِ وَالْعَائِدَةُ إِلَيْهِ مِنَ الْكَبِدِ وَغَيْرِهِ سَاكِنَةٌ، وَ لِذَلِكَ تُعْرَفُ بِالْعُرُوقِ غَيْرِ الصَّوَارِبِ وَ بِالْأَوْرِدَةِ» (ازدی، ۱۳۸۷ش، ج ۳، ص ۸۸۱) ابن منظور بین عرق و عصب فرق گذاشته و گفته: «العِرْقُ مِنَ الْحَيَوَانِ: الْأَجْوَفُ الَّذِي يَكُونُ فِيهِ الدَّمُ، وَالْعَصَبُ غَيْرُ الْأَجْوَفِ» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۲۴۲).

خضر جمع اخضر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۸۵) که به معنای رنگ سبز است، که رگ‌های موجود در مضغه به سبزی متمایل هستند. مشتبه که از شبک است به معنای خطوط متداخل و مختلط، (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۵۹۳) که بر این اساس مضغه دارای ساختاری از رگ‌های سبز درهم تنیده می‌باشد.

۲-۴. شاخصه عظم

در روایت یونس شیبانی به ساختار عظم اشاره شده است: «قَالَ قُلْتُ فَإِنْ رَأَيْتَ فِي الْمُضْغَةِ شِبْهَ الْعُقْدَةِ عَظْمًا يَابِسًا قَالَ فَذَلِكَ عَظْمٌ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۲۸۴). در این روایت در توصیف عظم آمده است: «شِبْهَ الْعُقْدَةِ عَظْمًا يَابِسًا»؛ العُقْدَةُ که جمع آن عَقْد است به معنای جای گره زدن (فراهیدی، ج ۱، ص ۱۴۰) و توده متراکم (حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۴۶۶) استعمال می شود. در لغت آمده: «العُقْدَةُ مِنَ الشَّجَرِ: مَا اجْتَمَعَ وَ ثَبَّتَ أَصْلُهُ. عَقَدَ الْكَرْمُ، إِذَا رَأَيْتَ عُودَهُ قَدْ يَبَسَ مَأْوُهُ» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۸۸)؛ یعنی آنچه که از درخت دارای بافت محکی است و عقد الکرّم، به معنای خشک شدن چوب آن است.

در روایات دیگر مرحله عظم به صورت مجمل و سر بسته آمده: در صحیححه محمد بن مسلم آمده: «ثُمَّ تَصِيرُ إِلَى عَظْمٍ قُلْتُ فَمَا صِفَةُ خَلْقَتِهِ إِذَا كَانَ عَظْمًا قَالَ إِذَا كَانَ عَظْمًا شَقَّ لَهُ السَّمْعُ وَ الْبَصَرُ وَ رُتِبَتْ جَوَارِحُهُ فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَإِنَّ فِيهِ الدَّبِيَّةَ كَامِلَةً» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۴۵). راوی از چگونگی عظم می پرسد و امام علیه السلام در جواب می فرماید: اگر استخوانی باشد که گوش و چشم آن نمایان شده و اعضای و اندامش مرتب باشد که در این حال (روح دمیده) دیه کامل باید پرداخت شود.

علامه مجلسی رحمته الله نیز به این اجمال اشاره کرده و می گوید: «إِذَا كَانَ عَظْمًا مَحْمُولٌ عَلَى مَا بَعْدَ اكْتِسَاءِ الْعَظْمِ لِلْحَمِّ، وَ لَعَلَّ فِيهِ أَيْضًا سَقَطًا» (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۶، ص ۶۰۶) مراد از اذا كان عظمًا در عبارت دوم، شامل زمان کسوت لحمی هم می شود و شاید در نسخه روایت افتادگی وجود داشته باشد.

۲-۵. شاخص کسوت لحمی

در روایات متعددی، سخن از مرحله لحم و کسوت لحمی به میان آمده، هر چند این مرحله تنها به صورت کلی و بدون بیان شاخصه و ویژگی خاص ترسیم شده و تنها به پوشیده شدن استخوان از گوشت اشاره شده است. در روایت ابو جریر از امام کاظم علیه السلام آمده: «فَإِذَا اكْتَسَى الْعِظَامُ لَحْمًا فَفِيهِ مِائَةٌ دِينَارٍ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۲۸۳) در روایت «سَلِيمَانَ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَإِذَا كُسِيَ اللَّحْمُ مِائَةٌ دِينَارٍ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۳۱۳) در روایت ظریف، «ثُمَّ يُكْسَى لَحْمًا فَحِينَئِذٍ تَمَّ جَنِينًا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۴۲).

در لغت، الكِسْوَةُ به معنای لباس است و كَسَوْتُهُ به معنای ألبسته به کار می رود و اِكْتَسَى به معنای لبس الكِسْوَةُ می باشد و اِكْتَسَتِ الْأَرْضُ بالنبات و تغطت به، یعنی زمین با گیاهان

پوشیده شد (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۳۹۱). به نظر می‌رسد ثلاثی مجرد به معنای پوشیدن پارچه است و باب افتعال به معنای پوشیدن لباس است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۲۲۳). برخی گفته‌اند: گوشت در حیوان همانند پارچه‌ای، استخوان‌ها را می‌پوشاند و لباس آن محسوب می‌شود. مانند آیه شریفه: ﴿وَأَنْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوها لِحْمًا﴾ (بقره، ۲۵۹) از این آیه برداشت می‌شود که تشکیل گوشت بعد از استخوان صورت می‌گیرد. به وسیله این گوشت، حالت‌های انقباضی و ارتجاعی و تحرک در استخوان‌ها شکل می‌گیرد و باعث ایجاد حرارت در بدن می‌شود و مستعد دمیده شدن روح خواهد بود (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۰، ص ۶۳).

۳. شاخصه‌های بیان کننده مقدار دیه

بعد از بیان دو گونه از شاخصه‌های زمانی و زیستی که در تمامی ابواب فقهی و احکام مرتبط با جنین کاربرد دارد، اکنون مناسب است از منظر تعیین مقدار دیه، معیارهای ویژه این باب مورد بررسی قرار گیرد. لازم به ذکر است مشهور فقیهان دیه جنین تام الخلقه را قبل از ولوج روح، صد دینار و بعد از آن دیه کامل (هزار دینار) می‌دانند (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۷۶۲؛ طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۷۷۸؛ حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۶۳)؛ بر این اساس دیه جنین در مراحل پنج گانه مختلف رشد، متفاوت است؛ نطفه: اسپرم مرد وقتی که با تخمک زن ترکیب می‌شود تا مدت چهل روز، نطفه است و دیه آن بیست مثقال می‌باشد؛ علقه، خون بسته: که در چهل روز دوم تشکیل می‌شود و دیه آن چهل مثقال می‌باشد؛ مضغه، پاره گوشت: که در چهل روز سوم تشکیل می‌شود و دیه آن شصت مثقال است؛ استخوان: که دیه آن هشتاد مثقال است؛ روییده شدن گوشت: هنگامی که روی استخوان گوشت می‌روید و دیه آن یکصد مثقال است (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۲۳). در روایات ابواب جنین، از دو منظر به موضوع دیه جنین نگاه شده است؛ در برخی موارد، شاخصه‌های زمانی تعیین کننده مقدار دیه هستند و در برخی موارد شاخصه‌های زیستی، تفاوت‌های دیه جنین را بیان می‌کند.

۳-۱. شاخصه‌های مرحله‌ای و زمانی برای محاسبه دیه

در بیشتر روایات، مقادیر کلی دیه بر اساس فاصله زمانی بین مراحل آمده است و در معدودی از آنها به مقدار جزئی و ریز دیه بر اساس شاخص‌های زیستی اشاره شده است. در روایت ظریف، دیه جنین تا قبل از ولوج روح صد دینار است که به پنج مرحله بیست دیناری تقسیم می‌شود. در این روایت به صراحت از مراحل پنج گانه نطفه، علقه، مضغه، عظم و کسوت لحمی، نام برده شده است و مرحله نفخ روح را به عنوان مرحله ششم یاد کرده است. حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام دیه

جنین را این گونه بیان می دارد: «جَعَلَ دِيَةَ الْجَنِينِ مِائَةَ دِينَارٍ وَ جَعَلَ مِنْهُ الرَّجُلُ إِلَى أَنْ يَكُونَ جَنِينًا خَمْسَةَ أَجْزَاءٍ فَإِذَا كَانَ جَنِينًا قَبْلَ أَنْ تَلْجُهُ الرُّوحُ مِائَةُ دِينَارٍ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ سُلالَةٍ وَ هِيَ التُّظْفَةُ فَهَذَا جُزْءُهُ ثُمَّ عَلَقَةٌ فَهُوَ جُزْءُهُ ثُمَّ مُضْغَةٌ فَهُوَ ثَلَاثَةٌ أَجْزَاءٍ ثُمَّ عَظْمًا فَهُوَ أَرْبَعَةٌ أَجْزَاءٍ ثُمَّ يُكْسَى لَحْمًا فَحِينَئِذٍ تَمَّ جَنِينًا فَكَمَلَتْ لَهُ خَمْسَةٌ أَجْزَاءٍ مِائَةُ دِينَارٍ وَ الْمِائَةُ دِينَارٍ خَمْسَةٌ أَجْزَاءٍ فَجَعَلَ لِلتُّظْفَةِ خُمُسَ الْمِائَةِ عَشْرِينَ دِينَارًا وَ لِلْعَلَقَةِ خُمُسَ الْمِائَةِ أَرْبَعِينَ دِينَارًا وَ لِلْمُضْغَةِ ثَلَاثَةَ أَمْحَاسِ الْمِائَةِ سِتِّينَ دِينَارًا وَ لِلْعَظْمِ أَرْبَعَةَ أَمْحَاسِ الْمِائَةِ ثَمَانِينَ دِينَارًا فَإِذَا كُسِيَ اللَّحْمَ كَانَتْ لَهُ مِائَةُ دِينَارٍ كَامِلَةً فَإِذَا نَسَأَ فِيهِ خَلْقٌ آخَرَ وَ هُوَ الرُّوحُ فَهُوَ حِينَئِذٍ نَفْسٌ فِيهِ أَلْفُ دِينَارٍ دِيَةٌ كَامِلَةٌ إِنْ كَانَ ذَكَرًا وَإِنْ كَانَ أُنْثَى فَخَمْسُمِائَةَ دِينَارٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۴۳).

در برخی روایات فاصله بین مراحل سه گانه نطفه، علقه، مضغه، چهل روز بیان شده است و مقدار دیه نطفه؛ بیست دینار، علقه؛ چهل دینار، مضغه؛ شصت دینار و در مورد دو مرحله کسوت لحمی و عظم بیانی نیامده است. در روایت سعید بن مسیب از امام سجاد علیه السلام آمده است: «إِنْ كَانَ نُظْفَةٌ فَإِنَّ عَلَيْهِ عَشْرِينَ دِينَارًا قُلْتُ فَمَا حَدُّ التُّظْفَةِ قَالَ هِيَ الَّتِي وَقَعَتْ فِي الرَّجْمِ فَاسْتَقَرَّتْ فِيهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا قَالَ وَإِنْ طَرَحَتْهُ وَ هِيَ عَلَقَةٌ فَإِنَّ عَلَيْهِ أَرْبَعِينَ دِينَارًا قُلْتُ فَمَا حَدُّ الْعَلَقَةِ قَالَ هِيَ الَّتِي إِذَا وَقَعَتْ فِي الرَّجْمِ فَاسْتَقَرَّتْ فِيهِ ثَمَانِينَ يَوْمًا قَالَ وَإِنْ طَرَحَتْهُ وَ هِيَ مُضْغَةٌ فَإِنَّ عَلَيْهِ سِتِّينَ دِينَارًا قُلْتُ فَمَا حَدُّ الْمُضْغَةِ فَقَالَ هِيَ الَّتِي إِذَا وَقَعَتْ فِي الرَّجْمِ فَاسْتَقَرَّتْ فِيهِ مِائَةٌ وَ عَشْرِينَ يَوْمًا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۴۷) در این روایت از جنین سقط شده سوال می شود که امام علیه السلام مراحل چهل روزه و دیه بیست دیناری را در هر مرحله بیان می کند.

۳-۲. شاخص های زیستی برای محاسبه مقدار جزئی و ریز دیه

در برخی روایات ابواب دیه جنین، علاوه بر ذکر مقادیر اصلی دیه مثل بیست و چهل و شصت دینار، مقدار دیه به صورت جزئی و ریز، بیان شده است. در این زمینه دو روایت وجود دارد؛ یکی روایت یونس شیبانی و دیگری روایت ابوشبل که در مجموع از آنها سه شاخص را می توان برداشت کرد. تنها فقیهی که این شاخصه ها را به تفصیل بیان کرده است، جناب ابن فهد حلی رحمته الله است (حلی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۶۴).

الف. شاخص تعداد قطرات خون در نطفه به ازای هر قطره، دو دینار

در روایت یونس شیبانی آمده اگر نطفه دارای یک قطره خون بود، بیست و دو دینار؛ اگر دو قطره خون داشت، بیست و چهار دینار و بر همین ترتیب، بر اساس قطرات خون دیه اضافه می شود تا به مرحله علقه و چهل دینار برسد. طبق این روایت، ساختار علقه، نطفه ای است که دارای ده قطره خون می باشد. در روایت آمده: «الْقَطْرَةُ عَشْرُ التُّظْفَةِ فِيهَا اثْنَانِ وَ عِشْرُونَ دِينَارًا قَالَ قُلْتُ فَإِنْ قَطَرَتْ

قَطْرَتَيْنِ قَالَ أَرْبَعَةٌ وَعِشْرُونَ دِينَارًا قَالَ قُلْتُ فَإِنْ قَطَرْتُ ثَلَاثَ قَالَ سِتَّةٌ وَعِشْرُونَ دِينَارًا قُلْتُ فَأَرْبَعٌ قَالَ ثَمَانٌ وَعِشْرُونَ دِينَارًا وَفِي خَمْسَةِ ثَلَاثُونَ وَمَا زَادَ عَلَى التَّصْفِ فَعَلَى حِسَابِ ذَلِكَ حَتَّى يَصِيرَ عِلْقَةً فَإِذَا صَارَ عِلْقَةً فَفِيهَا أَرْبَعُونَ دِينَارًا» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۲۸۴).

ب. شاخص تعداد رگه‌های گوشتی در علقه، به ازای هر رگه، دو دینار

در روایت یونس شیبانی برای دیه علقه چهل دینار در نظر گرفته شده است. در صورتی که در علقه رگه‌های گوشتی وجود داشته باشد، دیه آن چهل و دو دینار می‌شود تا به شصت دینار برسد. در روایت آمده: «فَإِنَّ الْعِلْقَةَ صَارَ فِيهَا شِبْهُ الْعُرُوقِ مِنْ لَحْمٍ قَالَ اثْنَيْنِ وَأَرْبَعِينَ دِينَارًا الْعُشْرُ قَالَ قُلْتُ فَإِنَّ عَشْرًا أَرْبَعِينَ أَرْبَعَةٌ فَقَالَ لَا إِنَّمَا هُوَ عَشْرُ الْمُضْغَةِ لِأَنَّهُ إِنَّمَا ذَهَبَ عَشْرُهَا فَكُلَّمَا زَادَتْ زِيدَ حَتَّى تَبْلُغَ السِّتِينَ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۲۸۴).

ج. شاخص تعداد گره استخوانی در مضغه، به ازای هر گره، چهار دینار

در روایت یونس شیبانی، امام علیه السلام می‌فرماید: اگر در مضغه گره استخوانی دیده شد آن عظم خواهد بود که در هر مرحله چهار دینار اضافه می‌شود تا به هشتاد دینار برسد که دیه مرحله عظم است. مرحله بعد نیز کسوت لحمی است که بر همین منوال، در هر مرحله چهار دینار اضافه می‌شود تا در نهایت به صد دینار برسد. «قَالَ قُلْتُ فَإِنْ رَأَيْتَ فِي الْمُضْغَةِ شِبْهَ الْعُقْدَةِ عَظْمًا يَابِسًا قَالَ فَذَلِكَ عَظْمٌ كَذَلِكَ أَوَّلُ مَا يَبْتَدِئُ الْعَظْمُ فَيَبْتَدِئُ بِخَمْسَةِ أَشْهُرٍ فَفِيهِ أَرْبَعَةٌ دَنَانِيرٌ فَإِنْ زَادَ فِرْدَاؤُهَا أَرْبَعَةٌ حَتَّى يُبَيِّمَ الثَّمَانِينَ قَالَ قُلْتُ وَكَذَلِكَ إِذَا كَسِيَ الْعَظْمُ لَحْمًا» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۲۸۴).

قابل توجه آنکه، همه فقها در قبول مراتب بینابینی دیه نظر موافقی ندارند و برخی منکر وجود مراتب می‌شوند. از قدما، شیخ الطائفه (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۷۷۸) و شیخ صدوق (صدوق، ۱۴۱۵ق، ص ۵۰۹). مقادیر ریز و بین مراتب دیه را پذیرفته‌اند. در نقطه مقابل، محقق حلّی رحمته الله اصل این شاخص (محقق حلّی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۶۵) و علامه حلّی رحمته الله نحوه محاسبه آن را قبول ندارند (علامه حلّی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۶۲۶).

۴. احکام فقهی مرتبط با مراحل جنین

حمل و جنین در فقه دارای احکام متنوع در ابواب مختلف فقه می‌باشد و شناخت مراحل جنین از جمله نطفه، علقه، مضغه، عظام، کسوت لحمی و به‌ویژه زمان نفخ روح، تأثیر زیادی در حکم شرعی خواهد داشت. در ادامه به برخی از احکام مرتبط با مراحل پنج‌گانه جنین اشاره می‌شود.

۴-۱. شروع نفاس

احکام زن در ایام نفاس مانند زن حائض است و کارهای که بر حائض حرام است، بر نفاس

هم حرام است، از جمله: توقف در مسجد و لمس خط قرآن، نزدیکی با شوهر. در اینکه نفاس به چه چیزی محقق می‌شود دیدگاه‌های متعددی وجود دارد که مرتبط با موضوع شناسی مراحل جنین است. دسته اول: برخی از فقها ملاک را استعداد پیدایش انسان می‌دانند و نه ظهور صورت انسانی، بر این اساس حتی نطفه‌ای که بعد از استقرار در رحم خارج می‌شود، حکم نفاس دارد (حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۵۲؛ عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۵۹؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۶۹؛ خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۵۱۹؛ نجفی، ۱۳۶۲ق، ج ۳، ص ۳۷۲). دسته دوم: بین مضغه و علقه تفصیل دادند یعنی فقط با مضغه نفاس ثابت می‌شود (عاملی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۲۴۲) و برخی آن را قول مشهور می‌دانند (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ص ۲۶۴). دسته سوم: ملاک صدق ولادت است پس مضغه هم مورد قبول نیست (أنصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۲۲).

۴-۲. صدق حمل و پایان زمان عده

یکی از شرایط اثبات انقضای عده زن حامله، وضع یا سقط حمل است. در این که چه مرحله از مراحل جنین حمل صادق است تفاوت وجود دارد. دسته اول: برخی نطفه را جزء حمل می‌دانند و بر این اساس با سقط علقه و مضغه و مراحل بالاتر از آن، عده زن حامله به پایان می‌رسد (طوسی، ۱۳۷۸ق، ج ۵، ص ۲۴۰؛ حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۵۹) سید یزدی رحمته الله می‌گوید: «یمكن صدق الحمل على النطفة المستقرة في الرحم أيضا إذا كانت قريبة الاستحالة إلى العلقه ولا يكفي احتمال كونه حملا، بل لابد من العلم به ولا يكفي الظن أيضا» (یزدی، بی تا، ج ۱، ص ۵۹). دسته دوم: برخی دیگر آن را بر مرحله علقه و بعد از آن صادق می‌دانند (اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ج ۸، ص ۱۱۰؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۲۵؛ سبحانی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۶۸).

نتیجه‌گیری

در متون دینی به خصوص در روایات اهل بیت علیهم السلام گزاره‌های متعددی برای کشف شاخصه‌های مراحل جنین وجود دارد. بر این اساس زمان بندی مراحل جنین امری منصوص بوده و در موارد متعددی که بیش از استفاضه است، به بیان حتی جزئی ترین موارد درباره ساختار نطفه و علقه و مضغه پرداخته است. با این وجود در مسئله مراحل جنین دو نظر وجود دارد، یکی نظریه تعبدی بودن زمان و دیگری نظریه عرفی بودن زمان بندی. برخی فقها معتقدند اعداد ذکر شده در روایات جنبه تعبدی دارند و باید دقیقاً رعایت شوند، زیرا اگر ائمه علیهم السلام زمان بندی را مشخص کرده‌اند، بر اساس حکمت الهی تشریحی است و محدود به عرف خاصی نیست. دیدگاه دیگر، عرفی بودن زمان بندی است که بر اساس آن، اعداد ذکر شده در روایات توصیف رایج علمی در آن زمان بوده‌اند و ائمه معصومین علیهم السلام مطابق فهم عرف سخن گفته‌اند. زیرا مراحل خلقت جنین تحت تأثیر عوامل محیطی یا ژنتیکی تغییر می‌کند و همه روایات یکسان به این موضوع نپرداخته‌اند، حال اگر زمان بندی تعبدی

بود، باید در همه شرایط یکسان باشد در حالی که در روایات تفاوت‌هایی دیده می‌شود.

در ترجیح دیدگاه اول باید گفت: با توجه به بررسی روایات متعدد باید اذعان کرد که تعارض جدی میان آنها نیست و روایات در بیشتر موارد تکمیل‌کننده یکدیگر و بیان‌کننده یک حقیقت واحد هستند و در جایی هم که تعارض جدی وجود دارد، راه حل‌های مناسبی برای آن وجود دارد. به علاوه اگر روایت به بیان فرآیند طبیعی در بُعد علمی صرف می‌پرداخت، عرفی محسوب می‌شد؛ اما وقتی همان بیان، به ساختار تشریحی متصل می‌شود، از سنخ «موضوع منصوص» است نه «موضوع تجربی و عرفی صرف» حتی اگر موضوع منصوصی، جنبه طبیعی هم داشته باشد، حکم تابع بیان شرع می‌شود و تغییر خارج از نص معتبر نیست، زیرا اگر حفظ وحدت رویه در قضایای شرعی مخدوش شود و نفع روح یا مرحله خاص خلقت قابل جابه‌جایی عرفی باشد، باب اختلاف در احکام قصاص و دیه باز می‌شود که مفسده‌آمیز است. بر این اساس، عقلاء اگر متنی دارای شمارش دقیق و قابل‌بازبینی توسط شارع باشد، آن را ثابت می‌پندارند مگر خود شارع تغییر آن را اعلام کند. در نتیجه قائل به تعدد بودن مطلق شاخصه‌های جنینی و حداکثر، تعددی بودن غالب آنها، امری موجه و مقبول خواهد بود.

بر این اساس در مواردی که زمان‌بندی خاصی در نامگذاری مراحل جنین موثر است، بدون تردید باید به مضمون روایات و احکام مرتبط، گردن نهاد. زیرا زمان و روز و شب از مقولات ثابت و بدون تغییر در هر عصر و زمانی هستند و نمی‌توان بین زمان‌بندی‌های موجود در روایت زمان معصومین علیهم‌السلام و ازمنه عصر حاضر، فارق قائل شد. در مواردی مانند مرحله عظم و لحم که صحبت از فاصله زمانی خاصی مطرح نشده است باید به دنبال صحت حمل نشانه و ویژگی‌های مذکور در روایات بر موارد و مصادیق بود و مطمئن شد که در چه موقعی حقیقتاً عظم صادق است و در چه موردی کسوت لحمی وجود دارد. در موارد مشکوک و هنگامی که به واقع نمی‌دانیم آیا جنین وارد مرحله جدیدی شده است، اصل عدم مرحله جدید، جاری می‌شود. اصل عدم رسیدن به مرحله جدید (استصحاب بقای مرحله پیشین) مبتنی بر قاعده احتمال است: حالت سابق (عدم تحقق مرحله جدید) محتمل‌تر است مگر دلیل قوی‌ای برای تغییر وجود داشته باشد. هر چند گاهی در برخی موارد، به ویژه در مسائل مهم مانند سقط جنین یا پرداخت دیه، بهتر است جانب احتیاط رعایت شود و طبق مرحله‌ای که احتمال قوی‌تر وجود دارد، عمل شود.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. آبی، فاضل، حسن بن ابی طالب، (۱۴۱۷ق)، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، محقق: علی پناه اشتهاردی، آقا حسین یزدی، چاپ سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد، (۱۳۶۴ش)، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۳. ابن سیده، علی بن اسماعیل، (۱۴۱۷ق)، المخصص، المحقق: خلیل إبراهيم جفال، الطبعة الأولى، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر، (۱۴۲۰ق)، التحرير و التتویر، بیروت: مؤسسه التاريخ.
۵. ابن فارس، أحمد، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار الفکر، دار صادر.
۷. ازدی، عبدالله بن محمد، (۱۳۸۷ش)، کتاب الماء، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل.
۸. اصفهانی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶ق)، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. انصاری، مرتضی بن محمد امین، (۱۴۱۵ق)، کتاب الطهارة، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۱۰. اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، محقق: آقا مجتبی عراقی (علی پناه اشتهاردی)، آقا حسین یزدی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۱. بیات، حجت الله، (۱۴۰۳ش)، نیمه اول اجتهاد، قم: نشر موضوع شناسی.
۱۲. پریور، کاظم، (۱۳۹۰ش)، جنین شناسی نظری، تهران: دانشگاه پیام نور.
۱۳. تبریزی، جواد بن علی، (۱۴۲۸ق)، تنقیح مبانی الأحکام، کتاب الديات، قم: دار الصدیقه الشهیده.
۱۴. جمعی از مولفان، (بی تا)، مجلة فقه أهل البيت عليه السلام (بالعربية)، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت عليه السلام.
۱۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰ق)، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربية، بیروت: دار العلم للملایین.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۱۷. حسنی، سعید، (۱۳۹۶ش)، جنین شناسی فقهی، اراک: انتشارات جهاد دانشگاهی استان مرکزی.

۱۸. حلی، احمد بن محمد اسدی، (۱۴۱۰ق)، المقتصر من شرح المختصر، محقق: سید مهدی رجائی، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۱۹. حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۰۷ق)، المعتبر فی شرح المختصر، قم: مؤسسه سید الشهداء علیه السلام.
۲۰. _____، (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۱. حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۲۰ق)، تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامیة، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۲۲. _____، (۱۴۱۳ق)، مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. _____، (۱۴۱۹ق)، تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین، ترجمه و شرح: ابوالحسن شعرانی، تهران: منشورات إسلامیة.
۲۴. حلی، محمد بن ادریس، (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۵. حمیری، نشوان بن سعید، (۱۴۲۰ق)، شمس العلوم ودواء کلام العرب من الکلام، محقق: حسین بن عبد الله العمري، مطهر بن علی الایرانی، یوسف محمد عبد الله، بیروت: دارالفکر المعاصر.
۲۶. حمیری، عبد الله بن سعید، (۱۴۱۳ق)، قرب الاسناد، محقق: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۷. خمینی، سید روح الله، (بی تا)، تحریر الوسيلة، چاپ اول، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
۲۸. خویی، سید ابو القاسم؛ تبریزی، جواد، (۱۴۲۷ق)، فقه الأعدار الشرعية و المسائل الطیبة من صراط النجاة (المحشی)، قم: دار الصدیقة الشهيدة علیها السلام.
۲۹. خویی، سید ابو القاسم، (۱۴۲۲ق)، مبانی تکملة المنهاج، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام خوئی.
۳۰. _____، (۱۴۲۴ق)، محاضرات فی الموارث، مقرر: محمد علی خرسان، قم: مؤسسه السبطين علیهم السلام العالمية.
۳۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان، سوریه: دار العلم، الدار الشامیة.
۳۲. زمخشری، ابوالقاسم، محمود بن عمر، (۱۴۱۷ق)، الفائق فی غریب الحدیث، محقق: ابراهیم شمس الدین، چاپ اول: بیروت: دار الکتب العلمیة.
۳۳. سبحانی تبریزی، جعفر، (۱۴۱۴ق)، نظام الطلاق فی الشریعة الإسلامیة الغراء، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۳۴. سبزواری، سید عبد الأعلى، (۱۴۱۳ق)، مهذب الأحكام، قم: مؤسسه المنار، دفتر معظم له.
۳۵. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، (۱۴۰۴ق)، الدر المنتور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

۳۶. صدر، سید محمد باقر، (۱۴۰۶ق)، دروس فی علم الاصول، بیروت: دار الكتاب اللبناني.
۳۷. صدوق، محمّد بن علی بن بابویه، (۱۴۱۵ق)، المقنع، قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام.
۳۸. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۹. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
۴۰. _____، (۱۴۰۰ق)، النهاية فی مجرد الفقه والفتاوی، بیروت: دار الكتاب العربی.
۴۱. _____، (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحكام، تهران: دار الكتب الإسلامية.
۴۲. عاملی، زین الدین بن علی، (۱۴۰۲ق)، روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴۳. _____، (۱۴۱۳ق)، مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
۴۴. عاملی، محمد بن مکی، (۱۴۱۹ق)، ذکری الشیعة فی أحكام الشریعة، قم: آل البيت علیهم السلام.
۴۵. عراقی، عبد النبي نجفی، (۱۳۸۰ق)، المعالم الزلفی فی شرح العروة الوثقی، قم: المطبعة العلمية.
۴۶. فاضل لنکرانی، محمد، (۱۳۸۵ش)، احکام پزشکان و بیماران، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۴۷. _____، (۱۴۰۹ق)، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة - الطلاق، الموارث، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۴۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.
۴۹. قطیفی، آل طوق، احمد بن صالح، (۱۴۲۲ق)، رسائل آل طوق القطیفی، بیروت: دار المصطفی لإحياء التراث.
۵۰. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳ق)، تفسیر القمی، قم: دار الكتاب.
۵۱. کاشف الغطاء نجفی، حسن بن جعفر، (۱۴۲۲ق)، أنوار الفقاهة (کتاب الطهارة)، نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء.
۵۲. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الكتب الإسلامية.
۵۳. کیت ال مور تی، وی ان پرساد، مارک جی تورچیا، (۱۳۹۴ش)، جنین شناسی مور، ترجمه: رضا شیرازی، تهران: اندیشه رفیع.
۵۴. مامقانی، محمد حسن بن الملا عبد الله، (۱۳۱۶ق)، غاية الآمال فی شرح کتاب المکاسب، قم: مجمع الذخائر الإسلامية.
۵۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۶ق)، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، محقق: سید مهدی رجائی، قم: کتابخانه آية الله مرعشی نجفی علیه السلام.

۵۶. مجلسی، محمد تقی، (۱۴۰۶ق)، روضة المتقين فی شرح من لا يحضره الفقيه، قم: مؤسسه فرهنگي اسلامي كوشانپور.
۵۷. مصطفوی، حسن، (۱۴۰۲ق)، التحقیق فی كلمات القرآن الكريم، تهران: مركز الكتاب للترجمة والنشر.
۵۸. مفید، محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق)، المقنعة، قم: كنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۵۹. نجفی، محمد حسن، (۱۳۶۲ش)، جواهر الكلام فی شرح شرائع الإسلام، محقق: عباس قوچانی، علی آخوندی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۰. یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۲۸ق)، العروة الوثقی مع التعليقات، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۶۱. _____، (بی تا)، تکملة العروة الوثقی، قم: داوری.



تشخيص الموضوع الفقهي لـ «مراحل الجنين قبل ولوج الروح» من خلال النصوص الدينية

عمار نصرالله نيا^٢

ملخص البحث

يمرّ الجنين في رحم الأم بمراحل مختلفة من عمليّة الخلقة يتحوّل خلالها من كائن ملقّح ذي خلايا معدودة إلى جنين متكامل ذي روح حيّ، وتشتمل هذه الدورة التكاملية إلى ما قبل نفخ الروح على خمس مراحل من النطفة إلى العلقة ثمّ المضغة ثمّ العظام ثمّ الكسوة اللحمية، وقد اشتملت أبواب مختلفة من الفقه (كالطهارة والنكاح والطلاق والديات) على أحكام وآثار خاصّة لكلّ من هذه المراحل، غير أنّ نطاق كشف المعيار لتشخيص موضوع «مراحل الجنين» تحكمه نظرتان، تعبدية وعرفيّة، إحداهما تقوم على أساس التعبد بالروايات وأخذ الملاك التلفيقيّ الزمنيّ الحيويّ، والأخرى على أساس العرف وملاحظة مجرّد الخصائص التكوينية والحيوية. ومن خلال تقوية النظرة الأولى (الملاك الزمنيّ الحيويّ) يمكن القول بأنّ الاستفادة من الروايات أنّ تشخيص مراحل نموّ الجنين يعتمد على ملاكين: الأوّل توقيت المراحل الجنينية التي تحدّد على أساسها فواصل المراحل الثلاث (النطفة والعلقة والمضغة) بأربعين يوماً، والثاني هي الخصائص الحيوية والبيولوجية ممّا تمّ بيانها في جميع المراحل الثلاث من النموّ، إلّا أنّه بسبب عدم بيان فترة زمنيّة محدّدة لمرحلتى العظم واللحم، فإنّ استخدام الخصائص الهيكلية الحيوية بناء على الروايات في المرحلتين يفضي على دراسة هذه الموضوع مزيداً من الأهميّة. علماً بأنّ التحليل الصحيح والمناسب لمراحل نموّ الجنين المختلفة من شأنه أن يقدّم حلاً عمليّة استنباط الأحكام التكليفية والوضعية المتعلقة بالجنين وإصدار الأحكام القضائية في هذا المجال، وهو من الأمور الهامّة التي لم تشهد غير قليل من البيان والتوضيح.

الألفاظ المفتاحية: تشخيص الموضوع الفقهيّ، مراحل الجنين، النطفة، العلقة، المضغة، العظام، اللحم.

١. اقتبس هذا المقال من أطروحة بحث تحت عنوان «تشخيص الموضوع الفقهيّ لمراحل الجنين» محرّرة من قبل الباحث في مركز تشخيص موضوعات الأحكام الفقهيّة.

٢. أستاذ السطوح العليا في حوزة قم العلميّة، إيران، nasramar229@gmail.com.

Jurisprudential Subject Identification of Fetal Stages Prior to Ensoulment in Religious Texts¹

← Ammar Nasrollahinia ² →

Abstract

The fetus undergoes various stages of creation within the mother's womb, gradually transforming from a fertilized multicellular entity into a fully developed fetus possessing a soul and life. This evolutionary cycle, prior to reaching the moment of ensoulment, consists of five stages: "sperm-drop" (nutfa), "clinging clot" ('alaqa), "chewed-like lump" (mudgha), "bones", and "clothing with flesh." In various chapters of jurisprudence (such as purity, marriage, divorce, and compensation/blood money), specific rulings and consequences are established for each of these stages. Regarding the discovery of the criterion for identifying the subject of "fetal stages," there are two perspectives: the devotional (ta'abbudi) and the customary ('urfī). One is based on devotion to the narrations and considering a combined chronological-biological criterion, while the other is based on custom and the mere observation of ontological and biological characteristics. By reinforcing the first perspective (the chronological-biological criterion), it can be argued that, based on narrations, there are two criteria for determining the stages of fetal development. The first criterion is the timing of the fetal stages, according to which the interval between the first three stages (nutfa, 'alaqa, mudgha) is set at forty days. The second criterion consists of the biological characteristics described across all three stages of growth. However, because a specific time frame is not explicitly stated for the "bone" and "flesh" stages, utilizing structural-biological characteristics based on narrations in these two stages makes the investigation of this subject highly significant. A correct and appropriate analysis of the various stages of fetal development can be instrumental in the process of deducing the prescriptive and declarative rulings related to the fetus and providing judicial rulings in this domain—a critical issue that has scarcely been elucidated and explained until now.

Keywords: Jurisprudential Subject Identification, Fetal Stages, Sperm-drop, Clinging Clot, Chewed-like Lump, Bones, Flesh.

1. This article is derived from the research project entitled "Jurisprudential Subject Identification of the Stages of the Fetus," conducted and authored by the researcher at the Center for Subject-Matter Study of Jurisprudential Rulings.

2. Senior Instructor of Advanced Levels, Qom Seminary, Qom, Iran. nasamar229@gmail.com.